



۱۸/۱۲/۱۸



افغان جرمن آنلاين

غل دی ناوړی مل دی واوړی

ننانکه بد را پسندیده اند ندانم زنیکی چه بد دیده اند

موضوع واضح است که علاقمندان محترم در مسند قضاوت قرار می گیرند و مدعیان مانند جنابان اسیر و نوری و معروفی برای کوبیدن محترم هاشمیان و باطل ساختن القاب استاد ادب دری از مبنای عقده های دیرینه (بقول خود اسیر) بی موجب اقدام کردند و مدعی علیه که ما باشیم چنین حرکت را آنهم در غیاب شخص محترمیکه داعی اجل را لیبیک گفته باشد از نظر ما نوع بی حرمتی به شخص متوفی بود از یک جانب و دفاع از دو شخصیت گرامی که القاب آنها را باز هم بی موجب زیر سوال برده بودند **افغان جرمن آنلاين** وظیفه خود میدانست تا در چنین قضایا بخاطر دوستان دیرین سهیم شود، بلی وظیفه خود میدانست که در زمینه برای قضاوت سلیم دوستان درپی اسناد شد تا مانند یک وکیل مجرب و عادل در برابر کسانی که بی موجب ادعای ناسالم دارند و دست به کار های هزل و بزل می زنند و ارزشهای جامعه را کم ارزش جلوه میدهند و مظلوم آزاری دارند، این رسانه دست به اقدام شد.

اینکه جناب اسیر با تحریف « **سبکسرانه عقده گشایی**» نام گذاری میکند از انصاف بعید است.

جناب اسیر به گمانم متوجه موضوع نمی شوند یا اینکه به خاطر قضاوت دوستان اش، خود را به تجاهل معروفی و نوری زده است. گرچه زرنگی درین سن و سال به ایشان نمی زبید ولی از دو حالت خالی نیست. چرا که اسناد فراوان موجود است که تحریکات آنها بر مبنای عقده های دیرینه (بقول خود اسیر) سبب این غایله شد. وقتی مدعیان در برابر قضاوت دوستان بیطرف، خود را بازنده دعوا یافتند دوباره اسیر را وادار کردند تا این ابروریزی براه افتاده را اگر چاره کند. اسیر نیز در صدد چاره یابی شد و خود را بیخبر از نفس قضیه نشان داد و موضوع را با ماست مالی طوری بیان کرد که گویا آنها بی گناه اند و مرحوم هاشمیان را برخلاف دوست نیز می دارند. کسانی که به دفاع ازین قضیه برخاسته اند آنها را غیر مستقیم با کلمات که شایسته قلم ایشان می باشد خطاب ناروا نموده اند. واینبار آستین را برزده با دو دشنام وارد میدان شده و دشنام دهی را بنام خموشی پیش کش کرده است.

درحایکه واضح است که آتش گرفتن خرمن، فقط بیک جرقه وابسته است این جرقه را کی ایجاد کرد؟ و چرا ایجاد کرد؟ پس بقول خود جناب اسیر هرچه باشد عقده [های] دیرینه ای بود که بدین بهانه بیرون زده شد. بلی این آغاز عقده گشایی ها از جانبی شروع شد که نباید اسیر خود را به تجاهل بزند، بلکه قبل از ملامت کردن دیگران باید اول سر در گریبان خود فرو برند، نه اینکه به قول عوام سه کلک که به طرف خود اوست آنرا نادیده گرفته ولی کلک را که به طرف دیگران دراز کرده فقط آنرا ببیند.

جملات ذیل همان جرقه اول است که از غفلت معروفی آغاز، به غمخوری ولی احمد نوری نشر، و به تأیید یگانه ملک الشعراء صحه گذاشته شد.

دقت کنید درین توطئه از آشفستگی زیاد جناب اسیر ندانسته اول خودش را بزمین زده است: اسیر می نویسد: **درسی است برای کسانی که در تلاشند این کلمه بلند بالا در کنار نام شان گذاشته شود. ... [که] در اثر لک بخشی های مرحوم هاشمیان در کنار نام شان گذاشته شده است.** اسیر بسیار زیرکانه می خواهد به همه واضح سازد که من سزاوار این لقب بودم ولی دیگران سزاوار نیستند؟؟

به سند داده شده اسیر در ذیل دقت کنید.

مقاله لقب استادی؟؟؟ ملک الشعراء محمد نسیم اسیر 2018/11/21 سایت آریانا افغانستان آنلاين.

نوشته **موشکافانه عزیزالقدرم دیپلوم انجنیر «خلیل الله معروفی»** به عنوان «ادب، ادب دری، استاد ادب دری» انتشار یافته پانزدهم نومبر پورتال وزین «آریانا افغانستان آنلاين» و شرح شرایط، رموز و معیارهای استادی و استاد ادب دری شدن، **درسی است برای کسانی که در تلاشند این کلمه بلند بالا در کنار نام شان گذاشته شود** و یا در **اثر لک بخشی های مرحوم هاشمیان در کنار نام شان گذاشته شده است** و آن را با دلخوشی، با خود **بیک** می برند، در حالیکه به تعبیر «معروفی» **گرامی، سال های نوری از آن فاصله دارند.** (تکیه ها از ماست)

یعنی که جناب اسیر مزوج شده با لقب داده شده مرحوم هاشمیان فاقد فاصله است. فکاهی جالب محترم اسیر ما را از ظرافت طبع شان به خنده آوردند.

حالا به دسته گلی دیگری که ملک الشعراء به آب داده است دقت کنید:

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکني د ليکنيزي بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در شعر ذیل می‌خواهد مردم را فریب دهد گویا که سخنان دیگران نادرست است و فقط سخن من درست ؟؟؟؟ پس من خاموش می‌مانم و از شنیدن حرفی نادرست دیگران برای اینکه بی تفاوت باشم پنبه در گوش خود گذاشته خاموشی اختیار می‌کنم. این خاموش ماندن را مطالعه کنید که در عالم خاموشی چی دشنام و بد و بیراهی را که یاد دارند نثار منتقدین گرامی می‌سازد. بطور نمونه در مصرعی از نظم ملکوتی! ایشان چنین عریان می‌شود که بدبختانه خودش به توهین که خود را خود نموده است متوجه نمی‌شود. به هر **گنبدیده حرفی**، از **ادب سرپوش** می‌مانم.

از **ادب** سرپوش گذاشتن را توجه کنید که آلوده ترین کلمات درونی خود را **دُر** پنداشته و در قالب نظم عرضه کرده است و دیگران را با خطاب **جاهل** که **دُر** در کف شان **خزف** می‌شود، و چون اضافه گوی خالی بند یادش می‌رود که **خزف** ها چگونه از مغز و دهان و قلم جناب خود شان تراوش کرده است و نظم ایشانرا گلگون تر ساخته است. مانند این لغات **گنبدیده حرفی بد کیشان، بد خواهان یاوه، بدسگالان، جفنگ، ابلهی، ناکسان، سفلگان جاهل** » **سبکسرانه عقده گشائی**» و غیره.

حالا ببینید که کی سبک سر بدسگال و غیره و غیره است و کی ادیب. (فاصله مبالغه آمیز نوری را اینجا باید محاسبه کرد.؟؟؟)

توجه بفرمایید که جناب اسیر شخص **پاک طینت - پاک زبان - خوش اخلاق - پاک کلام - پاک نفس** و بخصوص **پاس شناس**، را عملاً دیدیم که با لغات **مستحسن** عاری از **مستهجن** به امر کدام **سبکسرانه** [های] **عقده گشایان**، این کلمات در حریم نظم ایشان تجاوز کرده اند، یا شاید از کیسه دوستان خود همچون آقایان ولی احمد نوری و خلیل الله معروفی که نمونه اخلاق و استادان ادب در شهر نابینایان اند با ادبیات **توس قره ای** ادب دری مختص خود شانرا بر ایشان تحمیل کرده باشند؟ تا در قالب نثر و نظم سمّت ملک الاشعراء که مفتخر به آن می‌باشند به نمایش بگذارند؟ کی ها زبان پاک نسیم اسیر را دوباره پاستوریزه کرده اند که لغات جالب از اراده پاک و زبان منزله ای اسیر صیب مخرج مشترک پیدا می‌کنند مانند **گنبدیده حرفی (اشتباه نشود کلام ادبی خود جناب اسیر است)** که از قلم ادبی ایشان در قالب نظم خروج کرده است. یا اینکه ظاهراً شاید زبان پاک نسیم اسیر در قبال خود همیشه این کلمات **مستحسن** عاری از **مستهجن** را داشته و آن را ماهرانه مستور نگاه داشته بودند تا برای فریب جامعه خود، خود را در نظر ها اخلاقی جلوه دهند.

اما باید پند گرفت که: هیچ خوی و خصلت های درونی آدمی را نمی‌شود با مکارگی پنهان کرد.

فراموش نکنم اگر جناب اسیر صاحب با تجاهل از ما پرسند که کدام لغات مورد بحث است؟ لطفاً به کاپی نظم **دُر** مانند خود که با چه کلماتی زیبایی از همت بلند شما آراسته شده اند در ذیل مراجعه کنید و در آینه آن چهره مبارک خود را یکبار دیگر تماشا نماید و ببیند که چنین کلمات از مغز کدام **بد سگال، جفنگ باف ابلهی، ناکس** خارج شده است؟ با معذرت لغات سرخ شده همان **دُر های** نظم آقای اسیر است که این سطور را نیز رنگین ساخته است. باید آن کلمات معرف شخصیت پنهان ایشان باشد. این کلمات سرخ شده با **توس قره ای** دوستان نسیم اسیر چه فرق دارند؟ آفرین به این همه اتفاق نظر ادبی شما با دوستان جانی جانی شما!

بهتر است به صدای وجدان خود گوش دهیم. شما که مدعی پاک بودن خود می‌باشید به ادعای خاموش ماندن تان چه زیبا وفا کردید، خاموشی را کلاً اختیار کردید و با کلمات **مستهجن** خاموشی را پامال نکردید!! آفرین به شما که زیر بار کسی نرفتید شما که خاموشی اختیار کرده اید پس کدام **سفلگان** شما را مجبور ساخته که بجای خاموشی (یعنی حرف نزدن و خاموش ماندن) هم سخنرانی کنید و هم نظم سرایی نماید و حتی کلمات بی ادبانه را آذین گردن مبارک خود ساخته به نظم تان زیبایی خاص ببخشید؟

شما که ادعای سخن **دُر** گفتن دارید پس چه شد که سخنان **دُر** مانند شما در سخن و حتی در نظم تان **خزف** گونه حلول کرده است؟ **دُر** در کف کدام **جاهل خزف** گردیده است؟ گمان نمی‌کردم تا این حد تنزل ببخشید ارتقا کرده باشید اما خود تان نشان دادید که در پای دوستان **توس قره ای** تان در سطح **گنبدیده حرفی** ارتقاء نموده اید تأثیرات همنشینی چقدر تأثیر گذار است.

ورنه به قول خود تان شمای **پاک نفس و پاس شناس** بر ادب سرپوش گذاشته اید. مگر با تعجب از شما می‌پرسیم که در مصرع دیگر از نظم تان هویدا می‌شود که: نمی‌دام چه آفت گشته، دامنگیر **بدکیشان**؟ بکی می‌چسپد؟

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

آیا شما **بدکیشان** را نمی شناسید؟ که حاضر به چه معامله های می شوند؟ القاب را به نفع خود می پذیرند و برای دیگران تنگ نظری دارند، شخص خیر اندیش متوفی را به وسیله دشمن اش تحقیر و توهین می کنند مگر شخص **پاس شناس** است! زمانیکه متوجه می شود که میدان را باخته است اینبار از راه دیگر دوباره **گنبدیده حرفی** ها را میخوانند ماست مالی کند. این چنین اشخاص سکوت را می شکنند ادب را زیر پا می گذارند و در سطح **بدکیشان - بدسگالان - ابلهیان - ناکسان و سفلگان** به پرتگاه **گنبدیده حرفی** ها سقوط می کنند و بدبختانه از **جهالت درونی خزف** را **دُر** پنداشته و با گردن بلند دور از شرم مقاله نگاری و نظم سرایی را به جای خموشی اشتباه می گیرد. پس با این تحلیل میخواهیم به این بحث شرم آور که گروه ولی نوری، خلیل معروفی و نسیم اسیر براه انداخته بودند ولی از کرده خود با شجاعت **توس قره ای** هنوز هم پشیمان نیستند دوستان باید با بزرگواری خود از آن بگذرند.

در پایان از تمام دوستان و شخصیت های با کرامت که از حق دفاع کرده و ناحق را ملامت نموده اند سپاسگزاریم.

د پشتو مثل دی : غل دی ناوری مل دی واوری

یا

صد بار بدی کردی و شرم تو نیامد نیکی چه بدی داشت؟ که یکبار نکردی؟

این نظم دلپذیر ذیل جناب ملک الشعراء نسیم اسیر که در خاموشی با کلمات سرخ شده مستحسن گل کرده است اگر خاموشی اختیار نمی کردند چه می شد؟؟؟؟ به این معجزه که سخن **دُر** را ادعا دارند خوب دقت فرماید.

ز طعن **بدسگالان**، پنبه ای در گوش میمانم
جفنگ از **ابلهی** گر بشنوم، خاموش میمانم
«ادب پرورده دامن» مهر و الفت، زان رو — لغات **بدسگالان، جفنگ، ابلهی، ناکسان، سفلگان جاهل خزف**، **گنبدیده حرفی بدکیشان**، بد خواهان باوه را
من دوست میدارم
اگر دردی رسد از **ناکسان**، بر دوش میمانم
"خموشی فیضها دارد"، از آن پیوسته خاموشم (چه خاموشی ای کی باید خجالت بکشد؟)
ز جنس **سفلگان** حیرت زده، مدهوش میمانم
سخن **دُر** است، اما در کف **جاهل خزف** گردد
به هر **گنبدیده حرفی**، از ادب سرپوش میمانم
نمی دام چه آفت گشته، دامنگیر **بدکیشان**؟
من از این کینه توزیهای شان مدهوش میمانم "
اسیر" ارچند، **بدخواهان** به گوشم **باوه** میخوانند
خموشی میگزینم، یا سراپا گوش میمانم
ملک الشعراء نسیم اسیر

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په ځير و لولئ